

# امام خمینی (ره) و نقش مادر در تربیت

احمد رضا حمصیان اتفاق



که نعمت خود را بر انسان تمام و دین و راه و روش سیر انسان به سوی خدا را کامل کرده است. بنابراین دین اسلام در سیر تکاملی ادیان الهی از جهت افقی به حد آخر رسید (و تمام شد). هم چنین این دین در جهت عمودی و در بالاترین مرحله ادیان (یعنی در حد کمال) بالا رفت و کامل شد.<sup>۲</sup>

قبل از اسلام به زن همانند مرد نگریسته نمی شد و زن را پایین تر از مردان تلقی می کردند. شواهد تاریخی بیانگر این مطلب دردناک است که در بعضی از جوامع و در بسیاری از مواقع، زن را هم طراز اشیاء و حیوانات قرار می دادند و برای او شؤن اندکی قائل بودند. اما با نزول آخرین دین الهی، اسلام، این توهم غیر واقع بینانه را رد نمود و تصریح کرد که زن و مرد هر دو در شؤن انسانی مساوی و هم طرازند. چنان که مرحوم علامه طباطبایی مفسر بزرگ قرآن، بر یکسان بودن شأن و جایگاه انسانی مرد و زن تأکید می کند و معتقدند اسلام برای زن همانند مرد آزادی اراده و عمل قرار داده است. "... اسلام تشخیص می دهد که انسانیت یک نوع واحد ممتاز است و

اسلام به عنوان آخرین دین الهی، جامع ترین دستور و قانون الهی برای هدایت بشر است. قرآن که در حقیقت قانون اساسی دین مبین اسلام است بر کامل و تمام بودن آخرین دین الهی تأکید دارد: "أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي." امروز دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم...<sup>۱</sup> خداوند در این آیه تصریح می فرماید

خداوند اگر چه بین زن و مرد تفاوت قائل شده، اما در مورد جنس مذکر و مؤنث تبعیض قرار نداده است. همان طور که مردان دارای حقوقی اند زنان نیز از حقوق مساوی همانند حق تحصیل، کار، مالکیت و مشارکت سیاسی و غیره برخوردارند. امام خمینی (ره) به عنوان یک مرجع و دین شناس بزرگ اعتقاد دارند اسلام همه حقوقی را که مرد دارا می باشد برای زن قرار داده است: "در نظام اسلامی زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد: حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن. در تمامی جهاتی که مرد حق دارد زن هم حق دارد، لیکن هم در مرد مواردی است که چیزهایی به دلیل پیدایش مفاسد بر او حرام است و هم در زن مواردی هست که به دلیل این که مفسده می آفریند حرام است. اسلام خواسته است که زن و مرد حیثیت انسانی شان محفوظ باشد..."<sup>۵</sup>

امام راحل مفسر بزرگ اسلام ناب محمدی (ص) بر خلاف نظر مرتجعین، کهنه پرستان و متحجرین اعتقاد راسخ دارند که در جامعه اسلامی، زن علاوه بر کسب علم و دانش می تواند در مسائل جامعه مداخله داشته باشد و در امور اجتماعی مشارکت نماید. در منظر امام (ره) احترام و آزادی بی که اسلام برای زن قائل است در هیچ مکتبی نظیر ندارد و زن و مرد در همه شؤون اجتماعی از نظر اسلام یکسان و مساوی اند: "چنان موضوع آزادی زن را برای مردم مشتبه کرده اند که خیال می کنند اسلام آمده است که فقط زن را خانه نشین کند. چرا با درس خواندن زن مخالف باشیم؟ چرا با کارکردن زن مخالف باشیم؟ چرا زن نتواند کارهای دولتی انجام دهد؟ چرا با مسافرت

مرد و زن هر دو انسانند و در عین حال که از جهت نری و مادگی متفاوت اند از جهت انسانیت هیچ گونه فرقی با هم ندارند، زیرا هر فرد انسان را اعم از مرد و زن دو فرد نر و ماده با تناسل خود به وجود می آورند. "إِنِّي لَا أُضِيْعُ عَمَلِ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ" (آل عمران، آیه ۱۹۵). و... هرگز من عمل هیچ کس از مرد و زن را تباه نمی کنم. بعض مردم از بعض دیگر برتری ندارد (همه تان یکی هستید). "يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ." (حجرات، آیه ۱۳). ای مردم ما همه تان را از دو نفر نر و ماده آفریده و شما را شعبه شعبه و قبیله قبیله قرار داده ایم تا با هم آشنا شوید. همه پیش ما یکسان می باشند. گرامی ترین شما پیش ما تنها با تقوی ترین شماست. روی همین اصل شرع اسلام زن را نیز مانند مرد جزء کامل جامعه انسانی قرار داده، هر دو را به طور مساوی جزء متشارک شناخته و برای زن نیز آزادی اراده و عمل، تشریح فرموده، چنان که در مرد همین حق را جعل کرده است..."<sup>۳</sup>

در حقیقت دین اسلام، در اوج بربریت و توحش، موقعیت زنان را ارتقا بخشید و در جایگاهی برابر مردان قرارداد. امام (ره) در این مورد می فرمایند: "... اسلام زن ها را دستشان را گرفته آورده در قبال مردها نگه داشته. در صورتی که در زمانی که پیغمبر اسلام آمد زن ها را هیچ حساب می کردند. اسلام زن ها را قدرت داده است. اسلام زن ها را در مقابل مردها قرار داده، نسبت به آنها تساوی دارند..."<sup>۴</sup>

بنابراین از نظر اسلام زن و مرد به طور یکسان از مواهب انسانیت برخوردارند و

کردن زن مخالف باشیم؟ زن چون مرد در تمام این‌ها آزاد است. زن هرگز با مرد فرقی ندارد... احترام و آزادی‌یی که اسلام به زن داده است هیچ قانون و مکتبی نداده است...<sup>۶</sup>

همان‌طور که ملاحظه شد امام (ره) به تساوی زن و مرد و یکسان بودن شؤون انسانی و اجتماعی آنان باور دارند اما اعتقاد دارند یکی از مظلومیت‌های زنان این است که به اسم آزادی می‌خواهند از بانوان عقیف و پاکدامن استفاده کنند و آن‌ها را به شیء تبدیل کنند و آنان را آلت دست دیگران کرده، به ابزاری برای



اطفای هوس مردان تبدیل نمایند. در حقیقت بوالهوسان قصد دارند به اسم آزادی زن، از او استفاده ابزاری کنند در حالی که اسلام می‌خواهد شخصیت زن حفظ بشود و در روابط اجتماعی "انسانیت" زن ملاک باشد نه "جسم" زن. فی الواقع آزادی زن در اسلام به مفهوم کارآمدی و جدی بودن زن در روابط اجتماعی است نه گرایش به فساد و بوالهوسی: "... اسلام نمی‌خواهد که زن به عنوان یک شیء و یک عروسک در دست ما باشد، اسلام می‌خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد. ما هرگز اجازه نمی‌دهیم که زنان فقط شیء برای مردان و آلت هوسرانی باشند..."<sup>۷</sup> "... [آن چه اسلام با آن مخالف است] این است که این طوری که این‌ها زن را می‌خواهند بار بیاورند که یک ملعبه‌ای در دست مردها باشد و به قول شاه "زن خوب است فریبا باشد"، ما می‌خواهیم این کلام را بگیریم، این غلط را بگیریم. ما می‌خواهیم زن آدم باشد مثل سایر آدم‌ها، انسان باشد مثل سایر انسان‌ها. آزاد باشد مثل سایر انسان‌ها..."<sup>۸</sup>

شاید این سؤال مطرح باشد که چرا امام (ره) استفاده ابزاری از زن را محکوم می‌کنند؟ چرا امام (ره) معتقدند از آزادی زن نباید سوء استفاده شود؟ و چرا عده‌ای می‌خواهند به اسم آزادی زن وی را به آلت دست دیگران تبدیل نمایند؟ پاسخ همهٔ سؤالات به نقش زن در جامعه و رسالت وی در بازسازی کاخ سعادت انسان بستگی دارد. از منظر امام (ره) زن از چنان جایگاه رفیعی برخوردار است که سرنوشت جامعه، ارتباط مستقیم با نقش زن دارد. از نظر امام (ره) به دلیل این که در نظام خلقت، زن از مقام بسیار بالایی بهره‌مند، و نقش

پیروزی سهیم باشید... زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد. دوره اختناق می خواست زنان جنگ جوی ما را تنگ جو بار آورد ولی خدا نخواست. این‌ها می خواستند با زنان مثل یک شیء، مثل یک چیز، مثل یک متاع رفتار کنند ولی اسلام زن را مثل مرد در همه شئون (همان‌طور که مرد در همه شئون دخالت دارد) دخالت می‌دهد. همه ملت ایران چه زنان و چه مردان باید این خرابه‌ای را که برای ما گذاشته‌اند بسازند. ایران با دست مرد تنها درست نمی‌شود، مرد و زن باید با هم این خرابه را بسازند...<sup>۱۰</sup>

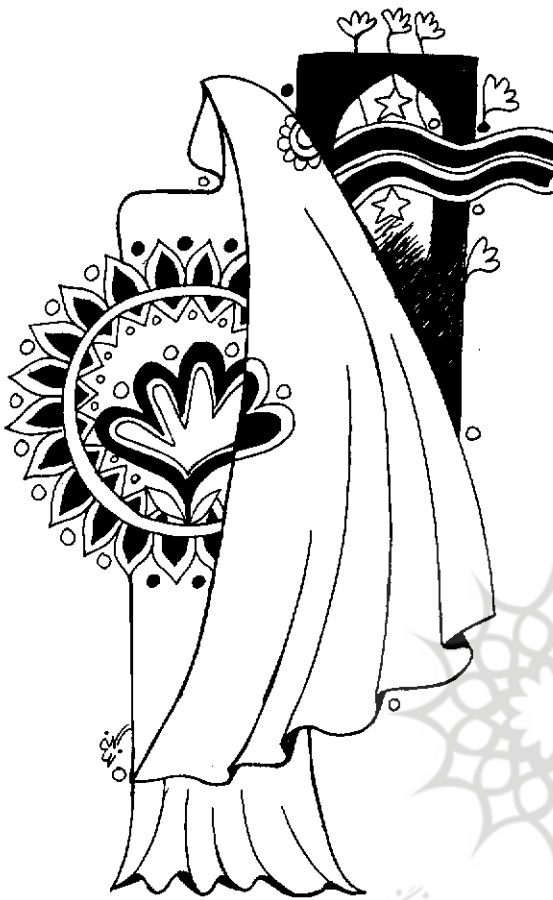
۲- دومین دلیل اهمیت زن از منظر امام (ره) به نقش مادری وی باز می‌گردد. از دیدگاه امام خمینی (ره) اسلام به زن بیش‌تر نظر دارد تا به مرد. به دیگر سخن اهمیت زن از مرد، از دیدگاه اسلام امام (ره) بیش‌تر است. ایشان معتقدند از لحاظ انسان پروری و انسان سازی، زن با قرآن



او بسیار حساس و سرنوشت‌ساز است، چنان‌چه زن عملکرد مناسبی داشته باشد، جامعه اصلاح می‌گردد، و چنان‌چه رفتار اجتماعی زن مفسده برانگیز باشد، جامعه دچار فساد خواهد شد. "... نقش زنان در عالم از ویژگی خاصی برخوردار است. صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد..."<sup>۹</sup>

از خلال سخنان امام (ره) چنین مستفاد می‌شود که نقش بانوان در جامعه از دو جنبه اهمیت دارد و بنابر دلایل ذیل زن اهمیت زیادی در جامعه بشری و نظام خلقت دارد:

۱- اولین دلیل اهمیت زن در جامعه از منظر امام (ره) این دلیل بدیهی است که زنان نیمی از آحاد هر جامعه را تشکیل می‌دهند. در شرایط طبیعی در هر اجتماعی پنجاه درصد جمعیت شامل زنان و پنجاه درصد دیگر جمعیت در برگیرنده مردان می‌باشد. بنابراین از لحاظ جمعیتی و به طور طبیعی زن و مرد شرایط یکسانی دارند. هم چنین از لحاظ عملکرد، همان‌گونه که مرد در مقدرات جامعه نقش دارد، در امور اجتماعی دخالت و فعالیت می‌کند و در سرنوشت کشور خود مشارکت و مداخله دارد زنان نیز می‌بایستی در مقدرات اساسی جامعه نقش داشته باشند. آنان نیز باید با معاضدت و همکاری مردان، کشور را بسازند. بانوان همدوش مردان باید با سرانگشت تدبیر، مشکلات کشور را رفع نمایند و در آبادانی میهن اسلامی سهیم باشند و مشارکت نمایند: "... زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند. شما همان‌گونه که در نهضت‌ها نقش اساسی داشته‌اید و سهیم بوده‌اید اکنون نیز باید در



مجید قابل مقایسه است، و اهمیت زن در مقام مادری به قدری زیاد است که اگر یک جامعه از وجود نعمت مادران شجاع و انسان‌ساز محروم گردد، ملت‌ها و جوامع با شکست و انقراض و انحطاط روبه‌رو خواهند شد. " ... عنایتی که اسلام به زنان دارد بیش‌تر از عنایتی است که به مردان دارد... زنان مردان شجاع را در دامان خود بزرگ می‌کنند و قرآن کریم انسان‌ساز است و زنان نیز انسان سازند. اگر زنان شجاع و انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته شوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط کشیده می‌شوند... " ۱۱

از دیدگاه امام (ره) به دلیل این که زن به عنوان مادر، تربیت فرزند را به عهده دارد، نقش مهمی در جامعه ایفا می‌نماید و وظیفه زنان همانند شغل انبیا مقدس و پراهمیت می‌باشد: " ... انبیا آمده‌اند که انسان بسازند، انبیا مأمورند که افرادی را که بشر هستند و با حیوانات فرق ندارند، این‌ها را انسان کنند. شغل انبیا همین است. باید شغل مادرها هم همین باشد نسبت به بچه‌هایی که در دامانشان است و با اعمالشان آن‌ها را تزکیه کنند... " ۱۲

در مکتب اسلام، مادر به روزه‌دار شب زنده‌دار و مجاهد فی سبیل‌الله تشبیه شده است و ناموس خلقت اهمیت زیادی برای وی متصور است و در حقیقت سلامت و تداوم نسل و انسانیت به او بستگی دارد.

" ... حرمت مادر باردار که ناتوانی‌هایش به او شکوه و عظمت داده و اسلام روزه‌دار قائم باللیل و مجاهد معرفی‌اش می‌کند بیش‌تر از این جهت است که صادرات پدر و مادر در هر حال مدفوع و چرک و مو و ناخن و اشک و عرق و... بوده و تنها مادر است که صادراتی به نام انسان دیگر تحویل می‌دهد. این مادر است که آینده

نامعلوم را در خود معنی داده است و جریان زندگی را اجازه داده سیری در تن او داشته باشد. مادر باردار بشیر است به حیات ابدی و مؤلّد است به تجسم نوع و گرامی است به پاسداری از حیات و وزنش اضافه شده از انسانی دیگر و ناتوانی‌اش افزوده گردیده به توانا ساختن آدم دیگر در موقعیت خانوادگی... " ۱۳

باید در نظر داشت که برای تکوین و رشد شخصیت فرزند، پدر و مادر هر دو سهیم‌اند و والدین با کمک یکدیگر باید برای آموزش و



پرورش کودک خویش کوشش و فعالیت نمایند. نقش مادر در کودکی بسیار مهم‌تر است و نقش پدر هم در دوران نوجوانی اهمیت بیش‌تری می‌یابد. اما یاری و معاضدت پدر و مادر در تربیت و تهذیب فرزند، زمینه‌ساز رشد آنان در آینده خواهد شد، امری که موجب می‌شود نهادهایی همچون آموزش و پرورش، مدرسه و دانشگاه مشکل زیادی برای ایفای رسالت خویش نداشته باشند. به دیگر سخن تربیت مادر در دوران کودکی و ادامه آن در نوجوانی به کمک پدر، می‌تواند بستر مناسبی برای فعالیت‌های آتی دست‌اندرکاران امور آموزشی و پرورشی کشور باشد و بسیاری از مشکلاتی که نهادهای آموزشی با آن روبه‌رو هستند، برطرف سازد: "... نقش خانواده و خصوصاً مادر در نونهالان و پدر در نوجوانان بسیار حساس است و اگر فرزندان در دامن مادران و حمایت پدران متعهد به‌طور شایسته و با آموزش صحیح تربیت شده، به مدارس فرستاده شوند، کارمعلم‌ان نیز آسان‌تر خواهد بود. اساساً تربیت از دامن پاک مادر و جوار پدر شروع می‌شود و با تربیت اسلامی و صحیح آنان، استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه‌ریزی می‌شود..."<sup>۱۲</sup>

مادر در تربیت فرزند یک نقش انسانی، شریف، الهی و انسان‌ساز است: "... دامن مادر بزرگ‌ترین مدرسه‌ای است که بچه در آن جا تربیت می‌شود. آن چه بچه از مادر می‌شنود، غیر از آن چیزی است که از معلم می‌شنود. بچه از مادر بهتر می‌شنود تا از معلم. در دامن مادر بهتر تربیت می‌شود تا در جوار پدر، تا در جوار معلم، یک وظیفه انسانی است، یک وظیفه الهی است، یک امر شریف است، انسان درست کردن است..."<sup>۱۵</sup>

همان‌طور که ملاحظه می‌شود از دیدگاه امام

اگرچه هم خانواده و هم مدرسه، جامعه، دانشگاه، صدا و سیما، مطبوعات و... در تربیت افراد جامعه سهیم‌اند، نقش مادر در تربیت کودک از دیگران متمایز و از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. نقش مادر در تعلیم و تربیت کودک، حتی از نقش پدر پراهمیت‌تر و حساس‌تر است. کودک سخن مادر را بیش از پدر و معلم و دیگران می‌پذیرد. بنابراین نقش

خمینی (ره) در نظام خانواده، زن و مادر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. حال باید دید از منظر ایشان، نقش مادر در تربیت خانواده و فرزند شامل چه مواردی است:

۱- اولین ایستگاه تربیتی فرزند در محیط خانواده دامن مادر است. به طور طبیعی همه انسان‌ها بر اساس قانون خلقت و طبیعت در شکم مادر نشو و نما می‌کنند و از مادر متولد می‌شوند. سپس در دامن پرمهرمادری رشد می‌نمایند. به دلیل علاقه فرزند به مادر، همه اعمال و حرکات و سکناات وی به فرزند منتقل می‌شود. از آن جا که اولین کلاسی که کودک در آن تربیت می‌شود کلاس مادر است و بدیلی برای آن وجود ندارد، تربیت مادر تأثیر بسیار زیادی بر فرزند دارد. اصولاً تربیت مادر، پایه و اساس افعال و حرکات‌های بعدی کودک می‌شود: "... شما خانم‌ها شرف مادری دارید که در این شرف از مردها جلو هستید و مسئولیت تربیت بچه در دامن خودتان دارید. اولین مدرسه‌ای که بچه دارد دامن مادر است. مادر خوب بچه خوب تربیت می‌کند و خدای ناخواسته اگر مادر منحرف باشد بچه از همان دامن منحرف بیرون می‌آید. و چون بچه‌ها آن علاقه‌ای که به مادر دارند به هیچ کس دیگر ندارند و در دامن مادر که هستند تمام چیزهایی که دارند، آرزوهایی که دارند خلاصه می‌شود در مادر و همه چیز را در مادر می‌بینند، حرف مادر، خلق مادر، عمل مادر در بچه اثر دارد. لامحاله یک بچه در دامن مادر که کلاس اول است، این دامن اگر یک دامن ظاهر پاکیزه مهذب باشد، بچه از همین اول که دارد رشد می‌کند با آن اخلاق صحیح و با آن تهذیب نفس و با آن عمل خوب رشد می‌کند. بچه وقتی در

دامن مادرش هست می‌بیند مادر اخلاق خوش دارد، اعمال صحیح دارد، گفتار خوش دارد، آن بچه از همان جا اعمالش و گفتارش به تقلید از مادر که از همه تقلیدها بالاتر است و به تزریق مادر که از همه تزریق‌ها مؤثرتر است تربیت می‌شود..."<sup>۱۶</sup>

به همین دلیل نقش مادر در تربیت بسیار مهم و حساس است و حتی تأثیر مادر از تأثیر پدر و معلم هم کارسازتر و کارآمدتر است. بنابراین غیر از اهمیت تربیت مادر باید بر اولویت نقش او تأکید کرد: "... در دامن مادر بچه‌ها بهتر تربیت می‌شوند تا در پیش استادان، علاقه‌ای که بچه به مادر دارد به هیچ کس ندارد. و آن چیزی که در بچگی از مادر می‌شنود در قلبش نقش می‌بندد تا آخر همراهش است. مادرها باید توجه به این معنی کنند که بچه‌ها را خوب تربیت کنند و این یک مطلب بسیار بزرگی است که از مادرها ساخته است و از کس دیگر ساخته نیست. آن قدری که بچه از مادر چیز می‌شنود از پدر نمی‌شنود. آن قدری که اخلاق مادر در بچه کوچک نورس تأثیر دارد و به او منتقل می‌شود از دیگران عملی نیست..."<sup>۱۷</sup>

۲- دومین دلیل اهمیت نقش مادر در تربیت خانواده و به ویژه تربیت فرزند این است که کودک در ابتدای تولد، همانند یک نهال جوان است. نهال جوان تا به درخت تبدیل نشده است می‌توان آن را به شکل مورد نظر پرورش داد و با اعمال سلیقه و نظر می‌توان به نحو مطلوب و دلخواه هرگونه تغییری در آن ایجاد کرد. به همین شکل کودک نیز در ابتدای خردسالی قابل تغییر می‌باشد و می‌توان او را به هر شکل (خوب یا بد) تربیت کرد. بنابراین به دلیل این که



مادر طراح و مهندس و معمار شخصیت فرزند است، نقش او از اهمیت ویژه برخوردار بوده، مسئولیت بزرگی بر دوش او می‌باشد: " ... شما این مسئولیت بزرگ را دارید. باید بچه‌های خودتان را که نوزاد هستند و نفوسشان زود [مطلب] را قبول می‌کند، تربیت را زود قبول می‌کند، خوب و بد را زود قبول می‌کند، شما در اول که این بچه‌ها در دامن شما بزرگ می‌شوند مسئول افعال و اعمال آن‌ها هستید..."<sup>۱۸</sup>

به نظر امام (ره) یکی از توطئه‌های اجانب این بود که با جدا کردن کودک از دامن پرمهر مادری قصد داشتند در تعلیم و تربیت کودکان خلل ایجاد نمایند و کودکان را که به دلیل جدایی از مادر دچار عقده شده‌اند، تحت تربیت غیر صحیح قرار دهند. نتیجه چنین امری به وجود آمدن افراد فاسد و مفسد و مخرب برای جامعه اسلامی بود:

"... بچه‌هایی که از دامن مادر جدا شدند و در پرورشگاه‌ها رفتند، این‌ها چون پیش اجنبی هستند و محبت مادر ندیده‌اند عقده پیدا می‌کنند. این عقده‌ها منشأ همه مفاسدی است یا اکثر مفاسدی است که در بشر حاصل می‌شود. این جنگ‌هایی که پیدا می‌شود از عقده‌هایی است که در قلوب این خونخوارهاست. این دزدی‌ها، این خیانت‌ها، این‌ها اکثراً از عقده‌هایی است که در انسان است.

بچه‌های شما را اگر از شما جدا کردند به واسطه نداشتن محبت مادر عقده پیدا می‌کنند به فساد کشیده می‌شوند. مأمور بودند... به این که بچه‌های ما را به فساد بکشند. از آن اول نگذارند در یک دامن محبت بزرگ بشوند، تربیت بشوند تا عقده پیدا بشود. بعد هم زیر

دست معلم‌هایی که خودشان تعیین کردند و بعد هم در دانشگاهی که خودشان تأسیس کردند، از این پایین تا آن بالا فساد، " اخراج من النور الی الظلمات ". نگذاشتند این که یک تربیت انسانی پیدا بشود..."<sup>۱۹</sup>

۳- سومین مورد از نقش مادر در تربیت خانواده از منظر امام (ره) به تأثیر و نقش خانواده در سرنوشت جامعه ارتباط دارد. اصولاً اجتماع از مجموعه خانواده‌ها تشکیل می‌گردد. یعنی تجمع چندین خانواده جامعه را تشکیل می‌دهد و خانواده اساس زندگی جمعی و اجتماعی است. در زندگی جمعی، فرد علاوه بر تأثیرات خانوادگی و محلی و قومی می‌تواند بر کل جامعه تأثیرات مثبت یا منفی داشته باشد. بنابراین چنان چه تکوین شخصیت وی بر اساس



ارزش‌های متعالی شکل نگرفته باشد اثرات مخربی بر جامعه بر جای خواهد گذاشت. بدین لحاظ تربیت اولیهٔ مادر، تأثیر بسیار زیادی بر زندگی آیندهٔ فرزند خواهد داشت که اثرات آن بالطبع جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بنابراین یک مادر مهذب و مؤدب می‌تواند فرزندانی تربیت نماید که جامعه را به سمت خیر و صلاح رهنمون شود و بر عکس مادر دیگری با تربیت انحرافی و مفسدانهٔ خود می‌تواند فرزند ناصالحی تربیت کند که کشور و جامعه را به نابودی بکشاند: "... زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه، بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند، می‌تواند به عکس آن باشد..."<sup>۲۰</sup>

به نظر امام (ره) استعمارگران برای نفوذ در کشورهای اسلامی با سه مانع اساسی رو به‌رو بودند و آنان برای حفظ منافع خود می‌بایست این سدها را در هم می‌شکستند: ۱- مردم مذهبی ۲- مراجع دینی مورد علاقهٔ مردم ۳- بانوان و مادران. امام خمینی (ره) معتقدند در کشور ایران، رضا خان برای در هم شکستن سه سنگر مستحکم جامعه در نظر گرفته شد. وی به اسم زن مرفقی نقشه‌های زیادی برای انحراف و مصرفی کردن و به فساد کشیدن زنان مظلوم به اجرا در آورد: "... ابر خیانت‌کاران که ادامهٔ حیات خویش را در اسارت ملت‌ها به ویژه ملت‌های اسلامی می‌دانند در این سده‌های اخیر که راهشان به کشورهای اسلامی نفت خیز و ثروتمند باز شد دریافتند که تنها قشر مذهبی است که می‌تواند خار راهی در راه استعمار و استثمار آنان باشد و دیدند که حکم نیم سطرهٔ

یک مرجع مذهبی مورد علاقهٔ مردم دارای چنان قدرتی است که دولت انگلستان و دربار قدرتمند قاجار را به زانو در آورد. و نیز دریافتند که زنان در آن نهضت نقش اساسی داشتند و متوجه شدند که در مشروطه و پس از آن نیز زنان به ویژه قشر متوسط محروم آنان‌اند که می‌توانند با قیام خود، مردان را به میدان بکشند و احساس کردند که تا این عوامل به قوت خود باقی‌اند نقشه‌های آنان نقش بر آب است و لازم دیدند برای دست یافتن به این کشورها و مخازن سرشار آن‌ها پایه‌های مذهبی و رهبری مذهبی قشرهای مذهبی سست شود و از همان زمان‌ها به فکر این نقشه و عملی نمودن آن افتادند و توفیق‌هایی هم به دست آوردند تا آن که رضاخان را برای این خدمت یافته، او را به قدرت رساندند و او با این سه عامل به پیکار سرسختانه پرداخت و کسانی که آن زمان را به یاد دارند می‌دانند این خائن تبهکار با دستیاری عمال بی وطنش با اینان چه کردند و برای پیروزی هر چه سریع‌تر نقشه‌هایشان چه راه‌هایی را برای انحراف و مصرفی نمودن و به فساد کشاندن بانوان مظلوم در پیش گرفتند. لازم است نسل حاضر که آن روزگار سیاه را درک نکرده‌اند به کتاب‌ها، شعرها، نوشته‌ها، نمایشنامه‌ها، تصنیف‌ها، روزنامه‌ها، مجله‌ها و مراکز فحشا و قمارخانه‌ها و شراب‌فروشی‌ها و سینماها که همه یادگار آن عصر بودند بنگرند یا از آنان که دیده‌اند پرسند و نیز سؤال کنند که نسبت به زن، این قشر انسان پرور و آموزگار چه ظلم‌ها و خیانت‌هایی در ظاهر فریبنده‌ای به اسم زن مرفقی روا داشتند...<sup>۲۱</sup>

بنابراین از منظر امام (ره) تربیت نامناسب یک انسان همانند رضاخان، موجب شد که

- ۴- صحیفه نور، جلد ۴، صفحه ۵۹-۶۰، تاریخ ۵۷/۹/۲۰.
- ۵- صحیفه نور، جلد ۴، صفحه ۳۳-۳۴، تاریخ ۵۷/۹/۱۶.
- ۶ و ۷- صحیفه نور، جلد ۴، صفحه ۱۰۴-۱۰۳، تاریخ ۵۷/۱۰/۷.
- ۸- صحیفه نور، جلد ۴، صفحه ۵۹-۶۰، تاریخ ۵۷/۹/۲۰.
- ۹- صحیفه نور، جلد ۱۶، صفحه ۱۲۷-۱۲۵، تاریخ ۶۱/۱/۲۵.
- ۱۰ و ۱۱- صحیفه نور، جلد ۵، صفحه ۱۵۴-۱۵۳، تاریخ ۵۷/۱۲/۱۵.
- ۱۲- صحیفه نور، جلد ۸، صفحه ۱۶۲، ۵۸/۴/۲۶.
- ۱۳- پاک نژاد، سیدرضا، ازدواج و روش زن داری، تهران، نشر اقتصاد اسلامی، فروردین ۱۳۶۰، صفحه ۱۸۵.
- ۱۴- صحیفه نور، جلد ۱۵، صفحه ۱۶۲-۱۶۱، تاریخ ۶۰/۶/۳۱.
- ۱۵- صحیفه نور، جلد ۸، صفحه ۲۴۱-۲۴۰، تاریخ ۵۸/۵/۲۶.
- ۱۶- صحیفه نور، جلد ۶، صفحه ۱۵۷، تاریخ ۵۸/۲/۲۳.
- ۱۷- صحیفه نور، جلد ۸، صفحه ۱۶۲، تاریخ ۵۸/۴/۲۶.
- ۱۸- صحیفه نور، جلد ۶، صفحه ۱۵۷، تاریخ ۵۸/۲/۲۳.
- ۱۹- صحیفه نور، جلد ۸، صفحه ۲۴۱-۲۴۰، تاریخ ۵۸/۵/۲۶.
- ۲۰ و ۲۱- صحیفه نور، جلد ۱۶، صفحه ۱۵۲-۱۵۱، تاریخ ۶۱/۱/۲۵.
- ۲۲- صحیفه نور، جلد ۷، صفحه ۴۷، تاریخ ۵۸/۳/۱۱.

افراد و نسل‌های زیادی از وی آسیب بینند. هم‌چنین از نظر امام (ره) اجانب برای تاراج ملت‌ها کوشش می‌کنند در جامعه، زنان و مادران عقیف و پاکدامن را تخریب نمایند تا به اهداف شوم خود برسند.

۴- از موارد دیگر اهمیت نقش زن در تربیت خانواده، تأثیری است که که زن بر خانواده به خصوص بر مرد دارد. در طول تاریخ زنان به رغم عدم حضور مستقیم در امور اجتماعی ترانسته‌اند مردان را به کارهای مهم وادارند و به آن‌ها شجاعت و جسارت انجام اعمال خارق‌العاده بدهند. حضور فعالانه زنان در صحنه‌های مختلف انقلاب اسلامی از موارد مهمی است که موجب تهییج و تشجیع مردان و حضور قشرهای مختلف جامعه و پیروزی انقلاب شد: "... می‌شود گفت که بانوان این نهضت را پیش بردند، برای این که بانوان ریختند توری خیابان‌ها... مردها اگر یک سستی هم احتمال می‌رفت در آن‌ها باشد همان معنا آن‌ها را شجاع کرد. مرد وقتی زن‌ها آمده‌اند مشغول یک عملی هستند مردها شجاع می‌شوند. شما بودید این پیروی را نصیب اسلام کردید و شما سهم زیادی در این پیروزی دارید..."<sup>۲۲</sup>

پی نوشت‌ها:

- ۱- قرآن مجید، سوره مائده، آیه ۳.
- ۲- مطهری، مرتضی، انسان کامل، تهران، انتشارات صدرا، زمستان ۱۳۶۷، فرق کمال و تمام، صفحه ۱۷.
- ۳- علامه طباطبایی، محمد حسین، زن در اسلام، قم، نشر محمد - بی تا، صفحه ۲۴.